بلندقامت‌ترین هموطن

حتما شما هم مثل ما نمی‌دانستید که بلندقامت‌ترین هموطن‌مان، ۶۰ متر و ۴۰ سانتی‌متر ارتفاع دارد و درخت بلوطی است در جنگل‌های ارتفاعات شهرستان بابل در استان مازندران. موجود زنده و بلندبالایی که اخیرا توسط کارشناسان بخش تحقیقات جنگل، موسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور و پژوهشگرانِ بخش منابع‌طبیعی در استان مازندران کشف شده است. دکتر احسان ساداتی و همکارانش موفق شده‌اند بلندقامت‌ترین درخت ایران را شناسایی کرده و ۱۰ مهر با حضور نمایندگان وزارت میراث فرهنگی و گردشگری به ثبت ملی برسانند. قطر این درخت بلوط در ارتفاع برابر سینه، چهار متر و ۹۰ سانتی‌متر و سن تقریبی آن ۶۰۰ سال برآورد شده و در ارتفاع ۱۲۰۵ متر از سطح دریا مستقر است. به گفته دکتر رضا اخوان، این درخت قطعا مرتفع‌ترین درخت ایران و مرتفع‌ترین بلوطِ موجود در کشور است و حتی ممکن است مرتفع‌ترین بلوط از نوع بلندمازو در دنیا هم باشد که اگر اثبات شود، امکان ثبت جهانی آن وجود دارد. /جام جم دیلی

تکمیلی

یك روز در هفته خدمت رایگان

ماجرای کارهای خیر عبدالمالکی، فقط به حضورش در گروه جهادی محدود نمی‌شود و او از سه سال پیش و از وقتی در کلینیکی در قروه شهرستان دلبران مشغول فعالیت است، یك روز را به خدمت‌رسانی رایگان اختصاص داده است. ماجرایی که درباره‌اش می‌گوید: وقتی ما هنوز دانشجو بودیم بیشتر در حوزه جهادی فعالیت می‌کردیم اما از وقتی بچه‌ها فارغ‌التحصیل شدند دست‌مان تا اندازه‌ای کوتاه و تعداد این اردوهای جهادی کمتر شد، به همین علت دیدیم به نوعی دستم از انجام کار خیر کوتاه شده، بنابراین چهارشنبه‌ها را در کلینیکی که فعالیت می‌کنم به درمان رایگان دام‌ها اختصاص دادم.

این جهادگر یك خاطره جالب هم از درمان‌های جهادی‌اش دارد: «یك بار برای واکسن‌زدن به طویله رفتم. تا قبل از آن هم گاومیش ندیده بودم. طویله از تعدادی سنگ و دوتا چوب بلند ساخته شده بود. از آنجا که گاومیش به جز صاحب خود اجازه نزدیك شدن به کسی را نمی‌دهد و چون این زن فقط با زبان ترکی آشنایی داشت با زبان اشاره از او خواستم پارچه‌ای را روی صورت گاو ببندازد تا من در مقابل چشمان او نباشم. متأسفانه نتوانستم منظورم را خوب منتقل کنم و زمانی که سوزن واکسن را در گردن گاومیش فرو کردم او رم کرد و با ضربه‌ای که به ستون چوبی طویله زد باعث شد سقف طویله فرو بریزد. به سرعت خودم را بیرون کشیدم اما گاومیش خشمگین به‌دنبال من آمد و من بدو گاومیش بدو... تا این‌که خوشبختانه به یك درخت رسیدم و از آن بالا رفتم و تا صاحب گاومیش آمد و روی صورت گاو را با پارچه پوشاند، بالای درخت ماندم.»

گروه جهادی دامپزشکی تخصصی ثارا... سال ۹۲ در کردستان آغاز به کار کرد

عکس‌ها: مجتبی حیدری

در روز دامپزشك پای صحبت‌های جهادگرانی نشستیم که یك روش متفاوت برای کمك به محرومان پیدا کرده‌اند

دامپزشکان جهادی

دل بزرگی دارند بچه‌های جهادگر، دلی که آنها را بند یك شهر و یك جماعت نمی‌کند؛ که آنها را از قلب امکانات می‌رساند به یك منطقه محروم، دورافتاده و کم‌برخوردار. بچه‌های جهادگر همین جا مثل فرشته‌های نجات از راه می‌رسند و یکی یکی گره از مشکلات اهالی باز می‌کنند. بین همه نیروهای جهادی، همه آنهایی که دغدغه کمك به همنوع دارند، بچه‌های گروه جهادی ثارا... یك گروه ویژه‌اند؛ از همان‌ها که شنیدن قصه‌شان حال دلت را خوب می‌کند؛ جهادگرانی که دامپزشکند و تخصص‌شان رسیدگی به وضعیت دام‌ها در مناطق محروم است؛ همان جاهایی که می‌گویند دار و ندار خیلی از خانواده‌ها فقط یك گاو است؛ که اگر مریض باشد، که اگر بمیرد، سفره نان‌شان خالی می‌ماند.

مینا مولایی

ایران

ملك‌زاده: وقتی ما می‌خواستیم کار جهادی را شروع کنیم با خودمان گفتیم الان گروه‌های جهادی در زمینه‌های عمرانی و آموزشی و... فعال هستند و شاید در حوزه دامپزشکی، این فعالیت کمتر باشد، به خاطر همین کار جهادی در این زمینه را شروع کردیم

حکایت این گروه جهادی متفاوت، از پشت صندلی‌های دانشگاه شروع شده است؛ زمان به وقت سال ۱۳۹۲ و مکان دانشگاه آزاد سنندج، دانشکده دامپزشکی. جایی که یك حلقه ۱۵ نفره برای تشکیل یك گروه جهادی دامپزشکی تخصصی تشکیل شد. اتفاقی که احمدرضا گیسویی، یکی از اعضای اصلی این گروه جهادی درباره‌اش به ما می‌گوید: «ما به فراخور رشته تحصیلی‌مان و کارآموزی‌هایی که داشتیم، هربار به یك منطقه محروم استان سر می‌زدیم و در این رفت و آمدها با خانواده‌هایی آشنا می‌شدیم که همه زندگی‌شان از دار دنیا فقط دام‌شان بود؛ مثلا یك بار پیرزنی را دیدیم که یك گاو داشت و آن هم مریض شده بود و همین موضوع باعث شد که فکر کنیم یکی از بهترین روش‌های کمك به این مردم، بحث درمان و رسیدگی به دام‌هایشان است.»

به این ترتیب اولین گروه جهادی که به‌طور تخصصی فعالیت دامپزشکی انجام می‌داد، شکل گرفت: «ما چون از کردستان فعالیت‌مان را شروع کردیم، سعی کردیم به کل مناطق محروم این استان سر بزنیم اما کم‌کم پایمان به استان‌های دیگر هم باز شد و از آذربایجان تا خوزستان را هم پوشش دادیم.»

۱۵ نفر که پای ثابت‌اند

از سال ۹۲ تا حالا، حدود شش سال از فعالیت این گروه جهادی می‌گذرد و گیسویی می‌گوید: «دایره اصلی ما هنوز هم همان ۱۵ نفری است که از اول کار را شروع کردیم و تا آخر هم پای کار هستیم، اما در این بین در اردوهای مختلفی که داشتیم افراد زیادی از دانشگاه‌های دیگر به ما اضافه می‌شوند و ما با این‌که الان درسمان تمام شده و هرکدام‌مان به شهر خودمان برگشته‌ایم اما هروقت احساس کنیم، در جایی و منطقه‌ای به‌وجود ما نیاز است، سریع برای کمك رسانی به دام‌ها آماده می‌شویم.»

داروندارشان فقط یك گاو بود

گیسویی از این همه سال فعالیت در این گروه جهادی خاطره زیاد دارد، اما به یادماندنی‌ترین خاطره‌اش برمی‌گردد به حضورشان در استان آذربایجان شرقی: «یك بار ما در منطقه خداآفرین تبریز حضور داشتیم، یادم می‌آید پیرزنی را دیدیم که به‌خاطر ازدواج فامیلی سه پسر کم بینا و نابینا داشت و اداره همه امورات خانه به‌عهده خودش بود. این پیرزن واقعا از دار دنیا برای گذران زندگی فقط یك گاو داشت، ما که به این روستا رسیدیم، خبردار شدیم مدتی است از دهان و بینی گاو خون می‌آید و بعد از معایناتی که انجام دادیم فهمیدیم این گاو از رودخانه‌ای که نزدیك روستاست برای نوشیدن آب استفاده می‌کند، اما در این جریان، زالوها در بینی و سرش لانه کرده‌اند و دلیل خونریزی‌های حیوان هستند... وقتی این مشکل حیوان را برطرف کردیم و لبخند این پیرزن را دیدیم واقعا خستگی از تنمان در رفت.»

حوزه‌ای که فعالیت در آن کمتر بود

برای همه بچه‌هایی که عضو این گروه جهادی هستند، سال ۹۲ و دانشگاه سنندج یك نقطه اشتراك است، اشتراکی که هم زمینه دوستی آنها را فراهم کرده و هم، پاگذاشتن‌شان را در یك مسیر خیر. «وقتی که ما می‌خواستیم کار جهادی را شروع کنیم با خودمان گفتیم الان گروه‌های جهادی در زمینه‌های عمرانی و آموزشی و... فعال هستند و شاید در حوزه تخصص ما یعنی دامپزشکی، این فعالیت کمتر باشد، به خاطر همین با انگیزه این شکل از کمك‌رسانی، کار جهادی را شروع کردیم.»

این را هم محمدرضا ملك‌زاده به ما می‌گوید؛ سرگروه این بچه‌های جهادی که از فعالیت‌شان در مناطق محروم خاطره زیاد دارد: «ما خیلی وقت‌ها به مناطقی می‌رویم که بخش دولتی که هیچ، بخش خصوصی هم در آنجا فعالیت نمی‌کند. در واقع چون نمی‌خواهیم رزق و روزی این دامپزشك‌ها را خراب کنیم، سعی می‌کنیم منطقه‌ای را انتخاب کنیم که مثلا دوردست یا صعب‌العبور است و واقعا گذر هیچ دامپزشکی آنجا نیفتاده است، اما با این حال همیشه سنگ‌اندازی‌هایی برای فعالیت ما بوده. خیلی‌ها می‌گویند شما موازی‌کاری می‌کنید و ما همیشه می‌گوییم اصلا پای دامپزشك به جاهایی که ما می‌رویم رسیده؟!»

ملك‌زاده درباره نوع فعالیت‌های گروه ثارا... می‌گوید: «به چند گروه تقسیم شده‌ایم که هر گروه در یک موضوع ورود می‌کند؛ از آموزش گرفته تا معاینه، تشخیص، درمان و تهیه دارو که همه این فعالیت‌ها به صورت رایگان است. اما یك کار مشترك هم برای همه اعضای گروه تعریف شده و آن هم بحث واکسیناسیون دام‌هاست و زمانی که کل دام‌های یك منطقه باید واکسینه شوند که اینجا کار پاکسازی منطقه را همه بچه‌ها با مشارکت هم انجام می‌دهند.»

جراحی جهادی هم می‌کنیم

بخشی از فعالیت‌های این گروه جهادی، خواسته یا ناخواسته به جراحی دام‌ها هم رسیده است؛ جراحی‌های جهادی در شرایطی واقعا جهادی. ملك‌زاده می‌گوید: «یادم است یك بار ما نخ بخیه برای جراحی لازم داشتیم و از یك اداره‌ای درخواست نخ بخیه دادیم. به ما گفتند که اصلا لازم نیست شما وارد این حیطه جراحی بشوید، همان کار خودتان را بکنید! ما هم گفتیم الان در موقعیتی هستیم که این دام نیاز به جراحی دارد، اگر خودتان می‌آیید و کار را انجام می‌دهید که هیچ، اگر نه جلوی کمك ما را نگیرید.»

میلاد عبدالمالکی را بچه‌های دیگر به‌عنوان جراح جهادی گروه به ما معرفی می‌کنند؛ همان کسی که ابزار جراحی‌اش، مثل تلفن همراه همیشه همراهش است تا درصورت نیاز، مشکلی را رفع کند: «اوایل که کار جهادی را شروع کرده بودیم در حیطه فعالیت خودمان اجازه نداشتیم کار کنیم، بیشتر به‌عنوان کارشناس علوم دام فعالیت می‌کردیم، اصلا هم هزینه‌های جراحی به ما داده نمی‌شد، نه نخ بخیه‌ای داشتیم نه ابزاری و... اما یك بار در شرایط اضطرار تصمیم گرفتیم جراحی انجام بدهیم، یادم است اولین جراحی، تخلیه چشم یك گوسفند بود که عفونت شدیدی داشت و ممکن بود تلف شود. ما اصلا دارویی برای این جراحی نداشتیم و با بدبختی زیاد این کار را کردیم. جراحی بعدی گوسفندی بود که مشکل فتح داشت و روده‌هایش به هم پیچیده بود و واقعا زندگی این حیوان در خطر بود، اینجا هم ما به هرشکلی شده کار جراحی را انجام دادیم و دیگر جراحی‌های دامپزشکی به یکی از فعالیت‌های گروه ما تبدیل شد و در هر بار حضورمان حداقل یك مورد اورژانسی داشتیم؛ مثلا آخرین بار یك سزارین اورژانسی داشتیم، گاو، شکم اولش بود و ما اقدام به جراحی کردیم و خوشبختانه یك گوساله خوب و سالم به دنیا آمد و مادر و بچه هر دو سالم بودند. اما به‌خاطر این‌که در محیط طویله این جراحی را انجام دادیم و آلوده بود، نگرانی زیادی داشتیم ولی خب کار جهادی بود و نمی‌شد صبر کرد.»

یك بار هم آواز خواندیم و پول جمع کردیم

خاطره خوب ملك‌زاده از فعالیت‌شان در این گروه جهادی اما یك ماجرای متفاوت است و به درمان دام برنمی‌گردد: یك‌بار در امدادرسانی‌هایمان در منطقه کردستان زنی را دیدیم که به سرطان مبتلا بود و وضعیت مالی خوبی هم نداشت و واقعا حتی از تهیه داروهای رایج درمانی هم عاجز بود. همانجا از بین بچه‌های خودمان کمك جمع کردیم، اما دیدیم که مقدارش کافی نیست، با بچه‌های گروه‌های جهادی دیگر که برای فعالیت آمده بودند، موضوع را مطرح کردیم و فهمیدیم یکی از بچه‌ها صدای خوبی دارد، گفتیم تو بخوان ما از مردم پول جمع می‌کنیم که خدارا شکر همین اتفاق هم افتاد و با یك کار مشارکتی، معضل تهیه داروهای این زن مبتلا به سرطان تا اندازه‌ای رفع شد.

حضورمان واجب بود

ماجرای حضور این گروه دامپزشکی در خوزستان، به سیلی برمی‌گردد که فروردین امسال، بسیاری از روستاهای این استان را تخلیه کرد؛ بچه‌های جهادگر ثارا... همین‌جا بود که احساس کردند حضورشان در کنار سیل زده‌ها واجب است: «در سیل امسال ما به منطقه شوشتر رفتیم و با همکاری بسیج دانشجویی دانشگاه شوشتر یك اردوی جهادی برای کمك به دامهای سیل زده‌ها گذاشتیم و در ده روستا که درگیر سیل شده بودند حضور داشتیم، شرایط امدادرسانی و کمك به خاطر وقوع سیل با بقیه اردوهای جهادی ای که شرکت کرده بودیم فرق داشت، مردم واقعا در شرایط اضطرار بودند، تعدادی از دام‌هایشان را از دست داده بودند و فقط تعداد کمی برایشان مانده بود، همانجا طبق برآوردی که داشتیم، دیدیم اصلی‌ترین مشکلی که می‌تواند شیوع پیدا کند تب برفکی است که خوشبختانه با تلاش زیاد این مشکل را کنترل کردیم.»

طراح: بیژن گورانی

جدول شماره ۵۴۹۵

جدول عادی

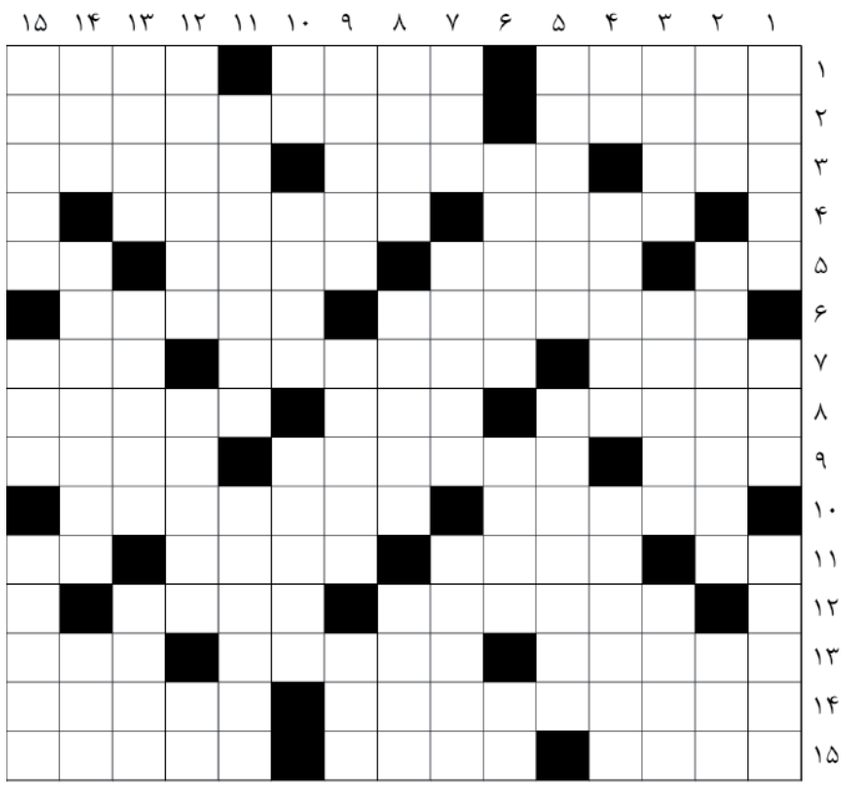

افقی: ۱) ژاندارم قدیم - هدف تیراندازی - تندرست ۲) تفاوت بین دو چیز - از روش‌های چاپ دیجیتالی ۳) مخترع تلگراف - نژاد مردم پرو - ارث ۴) دلداده شیرین - اتاقکی برای نگهداری وسایل اضافی ۵) ضمیر جمع - یکپارچه - نوشته حاشیه سند - خالی نیست ۶) فضاپیمای آمریکایی - رمان مشهور پائولو کوئیلو ۷) گناهکار - کاهش ابعاد جسم بر اثر کاهش دما - لباس ۸) رنگ کردن کوتاه‌مدت مو - لباس اتاق عمل - مکان‌ها ۹) پروردگار عالم - بزرگراه - زره‌ساز ۱۰) منسوب به یمن - دماسنج ۱۱) سنگ آسیاب - دیرینگی - اندازه فرنگی - دست عرب ۱۲) جنس بعضی از ظروف آشپزخانه - قسمتی از زمان ۱۳) معجون - ریزترین رگ خونی - جنبش و حرکت ۱۴) بازیگر مرد مجموعه تلویزیونی «مرضیه» - شهری در مشرق آلمان ۱۵) خشك - ماکارونی رشته‌ای - قراضه.

عمودی: ۱) تمام کردن - خجسته - نام‌ها ۲) گذرگاه - زائده ابتدای روده بزرگ - کلمه پرسش ۳) باطل‌کننده - جسم‌ها - شهر مرقد طفلان مسلم ۴) حرف دهن‌کجی - زن گندمگون - ریاضیدان یونانی و صاحب کتاب اصول هندسه ۵) بسیار مرموز و حیله‌گر - مأمور انتظامی در قدیم ۶) از حواریون مسیح(ع) - جانشین وضو - گمان ۷) زندان - سگ وحشی استرالیایی - پایتخت بوتان ۸) گلی آپارتمانی - چشم و همچشمی - دستگاه شکل دهی فلزات ۹) ایراد - شهر مقدس برهماییان - سال آذری ۱۰) قومی ایرانی - پدر - فاکس ۱۱) پیشوای هشتم شیعیان - درنگ‌نما ۱۲) توصیه شده - چشیدن - عدد بی‌اثر در ضرب ۱۳) صلح - ریاضیدان فرانسوی قرن هفدهم - نامی پسرانه ۱۴) شهری در فارس - ردوبدل کردن توپ میان بازیکنان یك تیم - واحد اندازه‌گیری توان الکتریکی ۱۵) شکسته - طولانی‌ترین رشته‌کوه جهان - بی‌رنگ کردن مو با مواد شیمیایی.

جدول ویژه

افقی: ۱) رنجبر - ضروری - نثر آهنگین ۲) بخش معرفی عناوین کتاب - رمانی از جك لندن ۳) از یك پدر و مادر - از خواهران برونته - خبرگزاری کار ایران ۴) جای بند در کمر شلوار - از طرح‌های اساسی هنرهای تزیینی ایران ۵) کاشف میکروب سل - شاخه نورسته - ستاره دنباله‌دار - بهتر ۶) بالاخره - برآمدگی دامنه کوه ۷) بزدل - چیره - پول فلزی ۸) حیوانی که در طول عمر خود آب نمی‌نوشد - به سم ستور می‌کوبند - نوعی کامیون ۹) هذیان - شاعر انگلیسی و صاحب اثر زندانی شیلان - فرزند ۱۰) فراوان - تابلویی زیبا اثر هنرمندانه استاد فرشچیان ۱۱) نت آخر - بیماری کم‌خونی - بنیانگذار حزب کمونیست - تکرار یك حرف ۱۲) گیاهی از خانواده جعفری - وسیع‌ترین قاره ۱۳) نمایان - صندلی کلاس - عدد دو رقمی ۱۴) صاحب سفره - یکی از دو نعمت مجهول ۱۵) خراب - پوست دباغی‌نشده - کلرید آمونیوم.

عمودی: ۱) بروشور - به تنهایی - نوعی لباس بچه ۲) گرو گذاشتن - از الحان باربد - عطا ۳) مته برقی - ابزاری برای انتقال پیام - اشاره ۴) شخص - مأمور تشریفات صفوی - پهنه زمینی مرطوب و نفوذ ناپذیر ۵) با عجله رفتن - جشن بزرگداشت آب در ایران قدیم ۶) حمله‌کننده - به رنگ خاکستر - گیاه تالاب ۷) ریشه احکام اسلامی - گیاهی علفی و خودرو با مصرف دارویی - نام دو نفر از پادشاهان مجارستان بود ۸) دیکته - دست درازی می‌کند - غلاف شمشیر ۹) سترون - داد و فریاد کردن - طعم ۱۰) بسیار خوب - شیشه آزمایشگاهی - مرطوب ۱۱) شیوه‌ای در رنگ کردن مو - نیزار ۱۲) بین صلبیه و شبکیه چشم - بیمار روحی - مخفف مشهدی ۱۳) گوشه‌ای در دستگاه شور - دستاویز - غریبه نیست ۱۴) ... بی‌جمال جانان میل جهان ندارد - عنصر شیمیایی رادیواکتیو - شکار ۱۵) گرایش عاطفی - زعفران - پنهان.

حل جدول عادی شماره ۵۴۹۴

حل جدول ویژه شماره ۵۴۹۴